

جناب آقای جوادیان؛ مدیر عامل محترم سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری قم

با عرض سلام و احترام، از اینکه فرصتی برای طرح مباحث مرتبط با الگوی کشاورزی و دامداری از نظر اسلام ایجاد کردید، کمال تشکر را داریم، انشاءالله که نتیجه این حرکتها گامی باشد به سمت تمدن‌سازی و زمینه‌سازی برای ظهور صاحب این انقلاب، حضرت ولیعصر ارواحنا لتراب مقدمه الفداء

همه می‌دانیم که ایجاد فضای سبز شهری و استفاده از گیاهان در محیط خانه و کار یکی از ساده‌ترین و مهم‌ترین اقدامات برای کاهش آلودگی هواست. گیاهان و درختان با انجام فتوسنتز، دی‌اکسید کربن هوا را جذب و آن را به اکسیژن تبدیل می‌کنند و به همین دلیل برگ درختان بهترین تصفیه‌کننده هوا هستند و مانند فیلتری عمل می‌کنند که آلودگی هوا را کاهش و هوایی سالم و مفرح در محیط زیست انسان‌ها به وجود می‌آورند. در این بین درختان میوه با توجه به ثمردهی، نیاز بیشتری به فتوسنتز دارند و در نتیجه اکسیژن بیشتری تحویل می‌دهند که در صورت نیاز بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

در بخش اول سخنانتان هر درخت و گیاهی که دارای برگ، ساقه، گل و میوه سودمندی باشد را مثمر دانسته‌اید.

این مطلب در کل صحیح است، بله، منظور ما از درختان مثمر، درختی است که بتوان به قول شما از برگ، ساقه، گل، میوه و حتی ریشه آن استفاده نمود؛ اما اگر منظور این باشد که گیاهان و درختان در حال کاشت امروز هر کدام به نوعی مثمر هستند، لازم است آماری از درآمدهای اقتصادی شهرداری از این طریق ارائه شود تا مردم به شایستگی مدیرانشان واقف شوند و بدانند شهرداری در بخشی از هزینه‌ها خود کفا شده است. مثلاً از گیاه خرزهره چقدر ثمر برداشت و در چه محلی صرف شده است؟ همینطور از درختان کاج و اکالیپتوس و زیتون تلخ و...، البته قطعاً آماری از هزینه‌ها و مضرات آنها نیز باید ارائه شود تا مشخص گردد چه فوایدی در قبال چه هزینه‌ای به دست آمده است.

شاید گفته شود این گیاهان بالقوه دارای این ظرفیت هستند که در اینصورت باید به صورت مصداقی به آنها پاسخ داد. به عنوان نمونه اگر در رأس درختان موجود به فواید اکالیپتوس پردازیم زمانی چوب اکالیپتوس به عنوان فایده این درخت تلقی می‌شد که در بیان شما به عنوان ساقه تعبیر شده است؛ بعد از این که مشخص شد چوب این درخت کیفیت چندانی ندارد، خواص دارویی برای این درخت قائل شدند. بر فرض اینکه این درخت خواص دارویی داشته باشد که ندارد و اتفاقاً باعث حساسیت‌ها و مشکلات جسمی می‌شود، میزانی از درختان اکالیپتوس که امروز شاهد آن هستیم اصلاً قابل توجیه نیست و به نظر می‌رسد دارو با غذا اشتباه گرفته شده است.

بماند که همین امروز افرادی به دلیل اینکه در مجتمع خودشان و در زمین شخصی و به دلیل ازین بردن ریشه حساسیت و آلرژی و جلوگیری از قطعی برق و آتش سوزی، درختان اکالیپتوس را قطع و جایگزین کرده‌اند و این موضوع می‌توانست در قالب استفاده از ساقه گیاه مثمر! اکالیپتوس دفاع شود، از طرف شهرداری مورد پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند! آیا می‌توان چوب را بدون قطع کردن درخت استفاده نمود؟

اما مشکل اصلی آنجاست که حتی در کاشت درخت غیرمثمر، به نوع بومی آن بسنده نمی‌شود و انواع غیربومی مشکوک که بعداً باعث مشکلات بسیار خواهد بود و در برخی استانها این مشکل تجربه شده است، کاشته می‌شود. جنابعالی احتمالاً بهتر می‌دانید که هر زیست بوم دارای گیاهانی بومی و مختص به خود می‌باشد و کاشت خودسرانه غیر بومی باعث ازبین رفتن گیاهان بومی آن منطقه شده و در نهایت منجر به تغییر اکوسیستم و مشکلاتی مانند خشکسالی و به دنبال آن عدم نفوذپذیری خاک و ایجاد سیلاب مرگبار و نابودی خاک حاصلخیز و مرگ گیاهان و جانوران می‌شود.

فرموده‌اید در محیط‌های شهری آلاینده‌های زیست محیطی داریم و این‌ها در گیاهان و میوه‌ها نفوذ کرده و مسمومیت شدید در آنها ایجاد می‌کند.

لازم است این نکات مورد توجه قرار گیرد که:

- ۱) همه شهر از جهت آلودگی یکسان نیست و پیچیدن نسخه واحد در یک شهر منطقی نخواهد بود. این آلودگی حداکثر در بخش مرکزی شهر نیازمند توجه بیشتر است.
- ۲) مرکبات (مانند نارنج) یا فندق، پسته، انار و امثال آنها که دارای پوشش هستند چگونه آلوده می‌شوند؟
- ۳) مگر امروز در منازل مردم، درخت میوه وجود ندارد و میوه آنها مصرف نمی‌شود؟ پس لازم است تحقیقاتی ارائه کنید که مسمومیت ادعایی را تایید کند. مثلاً تحقیقاتی که نشان دهد مردمی که حتی از مصرف توت‌های کاشته شده در وسط خیابانها که تقریباً ضعیف‌ترین پوشش را در بین میوه‌ها دارند یا از مصرف میوه‌های درختان منازل خود مسموم شده‌اند. برعکس ما مواردی در دست داریم که مردم و حتی ادارات از صدمات و آسیب‌های ناشی از درختان بی‌ثمر موجود شکایت دارند.
- ۴) آیا قرار است که ما اداره شهر را با همین شیوه ادامه دهیم. آیا افزایش خودروها تا نابودی کامل زندگی مان ادامه خواهد داشت؟ یا قطعاً باید تردد خودروها کم‌کم محدود و سوخت‌های پاک جایگزین سوخت‌های فسیلی و آلاینده هوا شوند و حمل و نقل عمومی و ریلی گسترش پیدا کند؟ در

این صورت آیا شما در آینده می‌توانید به یکباره کاج‌ها و اکالیپتوس‌ها را تبدیل به درختان مثمر کنید یا لازم است امروز در مسیری حرکت کنید که آینده را بسازید؟

۵) آیا بهتر نیست به فهم مردم اعتماد کنیم و به جای پاک کردن صورت مسئله، فرهنگ‌سازی کنیم؟ و در نهایت اینکه ای کاش اگر از اسلام نمی‌آموزیم از همین کشورهای مدعی توسعه یافتگی یاد بگیریم که گیلاس (ژاپن)، انار و انگور (چین)، فندق (ترکیه)، موز (استرالیا) و ... را در معابر و خیابان‌ها کاشته‌اند و آمار برداشت و درآمدزایی آنچنانی ارائه می‌دهند.

اما در مطلب بعدی به خطرات سموم دفع آفات برای شهروندان اشاره کرده‌اید.

ما در این موضوع با شما هم عقیده‌ایم ولی صورت مسئله را پاک نمی‌کنیم بلکه اعتقاد داریم به جای کنترل آفات به شیوه شیمیایی که باعث از بین رفتن محیط زیست و چرخه حیات بسیاری از حشرات، حیوانات و پرندگان مفید می‌گردد، باید از شیوه‌های طبیعی و سالم مانند استفاده از حشرات مفید و کنترل‌کننده آفات مانند زنبور عسل و کفشدوزک ... و نیز از پرندگان زیبا و آوازه خوانی مانند بلبل، چکاوک، سنگ چشم، پرستو، بلدرچین، هدهد ... استفاده گردد و همچنین به جای کود شیمیایی باید از کود حیوانی و کبوتر و امثال آن استفاده کرد. البته اینها مطالب جدیدی نیست و امروز در دنیا بعنوان محصولات کشاورزی ارگانیک مطرح است.

فرموده‌اید درختان در شهر قم برای سبزیگی و تولید اکسیژن کاشته می‌شوند اما با باردهی آنها از این امر کاسته می‌شود.

با یک دلیل ساده (نیاز به فتوسنتز بیشتر برای تولید میوه) می‌توان فهمید که درختان میوه و مثمر تولید اکسیژن بیشتری دارند و درختان غیرمثمر برعکس. مگر نه اینکه گیاه برای حیات و رشد نیاز به فتوسنتز دارد؟ پس اگر لازم است میوه‌ای هم به وجود بیاید نیازمند فتوسنتز بیشتر می‌باشد و در نتیجه اکسیژن‌زایی بالاتر خواهد بود.

اما در خصوص اینکه فرمودید اکثر درختان میوه عمر کوتاه دارند به همین خاطر برای درختکاری در سطح شهر توصیه نمی‌شوند.

خوب است درختان میوه‌ای که هزاره اول را گذرانده‌اند و یا درختان چند صد ساله شمر را با یک جستجوی ساده مرور بفرمایید البته اگر چندصد سال عمر را برای یک درخت میوه کوتاه نمی‌دانید!

و در پایان باید توجه داشته باشیم که همه این مشکلات از آنجا برمی‌آید که ما «العلم سلطان» را درک نکرده‌ایم و به جای تحقیقات بومی، به نسخه‌های دشمنانمان دلخوش کرده‌ایم که در قالب سازمان‌های مردم نهاد و عام المنفعه بین‌المللی، برای ما نسخه می‌پیچند غافل از آنکه این نسخه‌ها در جهت نابودی حرث و نسل است. همانگونه که قرآن کریم فرموده است: ... لیهلك الحرث و النسل (بقره، ۲۴)

آنها مدتهاست استعمار و استثمار را از قالب‌های قدیمی درآورده‌اند چون اشغال سرزمینی یک کشور، دیگر جوابگو نیست و و ناچار قالب‌های جدیدی برای آن ساخته‌اند. مثلاً خود را به عنوان مرجع علمی به ما قالب کرده و ضمن تربیت مدیران تراز اول بسیاری از کشورها مطابق دلخواه خود، هدایت پژوهش‌های علمی را نیز به دست گرفته و محتوای دلخواه خویش را به ما تحویل می‌دهد و این قطعات با مهارت کامل و با استفاده از منابع مادی و معنوی ما! در کنار هم در پازل اصلی نقشه دشمن چیده می‌شوند به گونه‌ای که بدون هیچگونه شک و شبهه‌ای به عنوان مستندات علمی! می‌پذیریم و پژوهشگرانمان را به تلاش در آن مسیر و ما می‌داریم غافل از آنکه قطعه‌ای از پازل دشمن را تکمیل می‌کنیم!

جناب آقای جوادیان؛ شاید در شهرهای دیگر، مسئولین بتوانند عذر و بهانه‌ای برای کارهای خود بتراشند ولی در شهر قم که مدعی ام‌القرای جهان اسلام ناب و تشیع است ما حق نداریم بدون تحقیقات بومی حرکت کنیم. چرا که قم باید الگوی جامعه اسلامی را به دنیا ارائه کند و ما مدعی هستیم که نسخه نجات بشریت را در دست داریم و این نسخه شامل همه ابعاد زندگی است و هیچ عرصه‌ای را فروگذار نکرده است. همانگونه که در صفحه اول کتاب چشم انداز شهرداری قم، شهردار محترم از امام صادق علیه السلام نقل فرموده اند که شهر قم و اهل آن، حجت و راهنمای همه خلائق می‌شوند.

سخت بودن کار و فعالیت در قم مؤید همین موضوع است و نشان می‌دهد که دشمن اهمیت سرچشمه و پایگاه انقلاب را به خوبی شناخته و کاملاً بر آن متمرکز است؛ چرا که می‌داند با حرکت قم، بسیاری از شهرها الگو گرفته و به حرکت درخواهند آمد. وگرنه چرا باغ قرآنی در کشورهای عربی و حتی در خاندان پادشاهی انگلیس مطرح و مورد عمل قرار گرفته ولی در بین شیعه هنوز ناشناخته است؟

ذکر این نکته هم لازم است که این مؤسسه و فعالان عرصه سبک زندگی اسلامی بدون هیچگونه منابع دولتی و صرفاً با منابع مالی شخصی پیش می‌روند حتی هزینه چاپ یک کتاب را ندارند و انتظار ما این است که سازمان‌های دولتی به جای مقابله با تحقیقات و نظریات بومی برآمده از دستورات اسلامی، بیت‌المال مسلمین را صرف حمایت از آنها کنند و خود پرچمداری این مسیر را برعهده داشته باشند.

به یاد داشته باشیم که گذشته از محاسبه در پیشگاه الهی، آیندگان نیز در مورد مسئولینی که امروز کوتاهی کنند، قضاوت خواهند کرد.

شاید مجال ذکر دلایل قرآنی و روایی در این مختصر نباشد. فقط به یک روایت اشاره می‌کنیم که: «من وجد ماء و ترابا ثم افتقر فابعدہ اللہ؛ هر کس آب و خاکی داشته باشد و با این حال فقیر باشد، خدا او را از رحمت خویش دور کند» (بحارالانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۶۵)

به نظر شما آیا این روایت فقط مربوط به زندگی فردی مسلمانان است که تکه‌ای زمین در اختیار دارند یا شامل مدیران جامعه اسلامی که اختیار زمین و آب را در سائزهای هنگفت دارند نیز می‌شود؟ مدیرانی که پول مردم مستضعف را در این شرایط اقتصادی صرف درختان و گیاهان بی ثمری می‌کنند که می‌توانست باغ‌هایی آباد باشد و حداقل بخشی از هزینه‌های شهر و مستضعفین را تامین کند.

اگر شهرداری هر شهری کاشت درختان مثمر بومی و مناسب آن اقلیم را در دستور کار قرار دهد و با همان همتی که گونه‌های مختلف درختان بی‌ثمر را رصد می‌کند، کاشت مثمر را دنبال کند، می‌توانیم به زودی شاهد خودکفایی و صادرات مواد غذایی و سلامت جسمی مردم باشیم و این یعنی همان اقتصاد مقاومتی.

جای این سؤال باقی می‌ماند که کدام یک از ما حاضر است در یک قطعه زمین شخصی، کاج، اکالیپتوس، زیتون تلخ، خرزهره و ... بکارد و هزینه صرف آن کند؟ پس آنچه را که برای خودمان نمی‌پسندیم برای دیگران هم نپسندیم.

قم نیازمند مدیرانی است که از بن دندان به اسلام معتقد باشند.

بیایید به قرآن برگردیم. چرا اسلام را جدی نمی‌گیریم؟

آیا خطاب قرآن در آیه «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ...» (سوره نساء) ما نیستیم؟

مؤسسه ثقلین راه زندگی